

رواق هنر «**مناقب‌بر تصوی**» اثر نفیس ۲۴۴ ساله **اهل سنت در مدح امام علی** ^(علیه السلام) و **نمایب‌شد**

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی یکصد و نود و هشتمین رزنامه هشتنیه‌های علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی را در آستانه ولادت امام علی(ع) به رونمایی و معرفی نسخه ۲۴۴ ساله خطی «مناقب مرتضی» تألیف میرمحمدصالح ترمذی کشتی، از بزرگان علم و ادب و از شاعران قرن دهم و یازدهم هجری در مدح امیرالمؤمنین(ع) اختصاص داد.

◀ **مبارای علی بن ابیطالب(ع) می میریم**

این پیوند مبارکی که ما با علی بن ابیطالب(ع) داریم را غنیمت بدانیم. ما ملت‌بنی‌توانیم با چای های علی (ع) بنگاریم. ادعای تتبع و شیعه بودن هم نمی‌توانیم بکنیم. ما شیعه‌هستیم اما شیعه جعفریایی، ولی بی چیزیی داریم و آن، مهر علی(ع) و شیعه جعفریایی، است.

نکته‌ها

آیت الله علّی برود چر دی

یادداشتۀ شفا‌هفت



علی علیّه‌ السلام و افضل امت است

آیت الله محمدجعفر طوسی

استاد حوزه و دانشگاه

سیزدهم رجب سالروز ولادت باسعادت مولی‌الموحّدین و قائد الغر المحجلین الامام امیرالمؤمنین(ع) است. مرحوم شیخ مفید متوفای

۴۱۳هجری، در صفحه ۳۰ جلد دوم کتاب ارزشمند الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد می‌گوید: یکی از مباحث مهم و کلیدی در زندگی سراسر افتخار آن امام مظلوم، افضلیت و برتری آن حضرت بر اولین و آخرین غیر از نبی مکرم اسلام (ص) است و این افضلیت، ریشه در روح الهی دارد؛ زیرا در پی مباحله «انفسنا» قطعه به وحی اقرار تا قبل از نبی است. اگر

علی(ع)، نفس پیامبر اکرم(ص) شد پس هر ویژگی که در آن حضرت ثابت است، باید در علی(ع) هم بوده باشد و الا «انفسنا» هرگز صدق نخواهد کرد. بدون هیچ تردیدی، پیامبر خاتم(ص) بر همه آدمیان و پیامبران برتری دارد. پس نفس او هم باید دارای این ویژگی باشد. محابه و صدوق باید در علی(ع) باشد. اگردهاند، در این نوشتار کوتاه‌نوشته به چند نفر از تابعین اشاره می‌کنیم که افضلیت آن حضرت را نقل کرده‌اند.

۱. **ابان بن تغلب کوفی**

این یکی از روایانی است که شیعه‌و سنی‌اوا ستایش کرده‌اند و در سال ۱۲۱ قوه فوت شده است. ذهبی متوفای ۷۴۸ او را توثیق کرده و گفته: ثقة شیعی در کتاب ۱۷۴۸ او را توثیق اعتدال. جلد یک، صفحه ۵ دربارۀ ابان بن تغلب گفته: ابان معتقد است علی(ع) از همه افضل است. نکته قابل توجه اینکه این شخصیت که قائل به افضلیت امیرالمؤمنین علی(ع) است مورد توجه ارباب صحاح سته قرار گرفته و همگی جز بخاری از او نقل حدیث کرده‌اند.

۲. **احمد بن فرات**
بنابا به گفته حافظ ذهبی، احمد بن فرات امام، حافظ، برجسته، حجت و محدث اصضهان است. احمد بن عبدی، رجال‌شناس معروف اهل سنت درباره شخصیت احمد بن فرات گفته: روایت ضعیفی از او سراغ ندارم و او همواره راستگو و حافظ حدیث است. ابوعمران طرسوسی می‌گوید: از احمد بن حدیث شنیدم که می‌گفت: در زیر آسمان، کسی حافظتر از او نیست.

شهباشی حدیثی را نقل کرده که احمد بن فرات در سلسله سند آن قرار گرفته است. در این حدیث ابن عباس، مفسر معروف می‌گوید: اولین کسی که اسلام آورد علی(ع) است. «اول من اسلم علی» بزرگان اهل سنت هم به این حقیقت اعتراف کرده‌اند.

۳. **ابوبکر بن عیاش (متوفای ۱۹۰)**

شهباشی حدیثی را نقل کرده که احمد بن فرات در سلسله سند آن قرار گرفته است. در این حدیث ابن عباس، مفسر معروف می‌گوید: اولین کسی که اسلام آورد علی(ع) است. «اول من اسلم علی» بزرگان اهل سنت هم به این حقیقت اعتراف کرده‌اند.

۳. **ابوبکر بن عیاش (متوفای ۱۹۰)**

کتاب تاریخ دمشق بزرگ اهل سنت ابوبکر بن عیاش کوفی است که در سال ۹۰ قوه فوت شده است. ذهبی از او به فقیه، محدث و شیخ‌الاسلام تعبیر کرده و مهم‌تر از او احمد بن حنبل او را ثقة و مورد اطمینان قرار داده است.

ابوجهم اصفهانی متوفای ۴۳۰ در

کتاب حلیه الاولیاء، جلد یک، صفحه ۶۸ حدیثی را نقل کرده که در سند آن، ابوبکر بن عیاش است که او از نصیر از سلیمان اجمن از پدرش از امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده که حضرت فرمود: «والله ما نزلت آیه الا ولدت مع فضیلت و این نزات».

۴. **ابو یعوبه ایادی**

ابن حجر عسقلانی درباره او گفته: مقبول و عثمان بن سعید می‌گوید: از یحیی بن معین درباره ابو یعوبه پرسیدم، گفت: کوفی، ثقة. جناب ابن عساکر دمشقی شافعی مذهب ۵۷۱ متوفی در کتاب تاریخ دمشق

به گزارش آستان قدس، حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شریعتی تبار، مدیر گروه انقلاب و تمدن اسلامی در این مراسم که در ورودی تالار قدس کتابخانه مرکزی رضوی برگزار شد، بیان مناقب امیرالمؤمنین علی(ع) توسط ابن یونسندۀ امام سنت را نشان از آن دانست که گرچه به لحاظ فقهی و کلامی، وی از اهل سنت بوده اما ثمة معصوم(ع) (راه عنوان امامان و دارندگان ولایت الهی و امامت باطنی و معنوی که

عشق علی(ع) در دل‌مان است، این را نمی‌شود انکار کرد. ما برای علی بن ابیطالب(ع) می‌میریم. این پیوند هست و این پیوند را غنیمت بدانند. از آن استفاده کنیم و بهره‌بریم. نگذند شیعه جعفریایی علی(ع) را به علی(ع) ضربه بزنند. ضربه را دوست به علی(ع) زیاده‌روی است. ما جزو آن‌ها نباشیم که بگویند این

پیروان علی(ع) این‌گونه هستند. شیعه جعفریایی هستیم اما همین عنوان به علی(ع) نفع نمی‌زند. تا حجب عشاق علی(ع) به علی(ع) نفعم نخورد. واقعا ما علی بن ابیطالب(ع) هستیم و امیدم هم همین است. چون خدا علی(ع) را دوست دارد و این دل، خانه محبت علی(ع) است.



میرم احمدی شیروان در آستانه ۱۳ رجب، سرآغاز طلوع خورشید زندگی‌برگزمردی قرار داریم که اسوه خردورزان، حامی استمدیدگان و محرومان و پدر یتیمان و سرچشمه عدالت، حقیقت و امامت است. یگانه شجاعت او اعتراف دارند. ولادت امام‌المؤمنین حضرت علی(ع) بهانه‌ای شد تا با آیت‌الله محمدتقی پورمحمدی، نماینده مردم شریف آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه و تولیت حوزه علمیه مراغه به گفت‌وگو بپردازیم. او با تبریک این روز بزرگ بر تمام آدمزنان جهان، تأکید می‌کند طبق فرمایش امیرالمؤمنین(ع) در وع و تقوا، و کوشش، خویش‌نماری و غفت و ثبات و استواری می‌توانیم از پاری کنندگان آن حضرت باشیم.

۵. **ابو بقره بصری**

ذهبی از او به «وکان من أئمة الهدی» تعبیر کرده و ابن سعد در کتاب الطبقات از زندگی سراسر افتخار آن امام مظلوم، افضلیت و برتری آن حضرت بر اولین و آخرین غیر از نبی مکرم اسلام (ص) است و این افضلیت، ریشه در روح الهی دارد؛ زیرا در پی مباحله «انفسنا» قطعه به وحی اقرار تا قبل از نبی است. اگر

علی(ع)، نفس پیامبر اکرم(ص) شد پس هر ویژگی که در آن حضرت ثابت است، باید در علی(ع) هم

بوده باشد و الا «انفسنا» هرگز صدق نخواهد کرد.

بدون هیچ تردیدی، پیامبر خاتم(ص) بر همه آدمیان و پیامبران برتری دارد. پس نفس او هم باید دارای این ویژگی باشد. صدوق باید در علی(ع) باشد. اگر

ااورمان، انس بن مالک صحنای ا درک کرده است. احمد بن حنبل از او به فقیه و صدوق یاد کرده است. مزی می‌گوید: اگردهاند، در این نوشتار کوتاه‌نوشته به چند نفر از تابعین اشاره می‌کنیم که افضلیت آن حضرت را نقل کرده‌اند.

۱. **ابان بن تغلب کوفی**

این یکی از روایانی است که شیعه‌و سنی‌اوا ستایش کرده‌اند و در سال ۱۲۱ قوه فوت شده است. ذهبی متوفای ۷۴۸ او را توثیق کرده و گفته: ثقة شیعی در کتاب ۱۷۴۸ او را توثیق اعتدال. جلد یک، صفحه ۵ دربارۀ ابان بن تغلب گفته: ابان معتقد است علی(ع) از همه افضل است. نکته قابل توجه اینکه این شخصیت که قائل به افضلیت امیرالمؤمنین علی(ع) است مورد توجه ارباب صحاح سته قرار گرفته و همگی جز بخاری از او نقل حدیث کرده‌اند.

۲. **احمد بن فرات**

بنابا به گفته حافظ ذهبی، احمد بن فرات امام، حافظ، برجسته، حجت و محدث اصضهان است. احمد بن عبدی، رجال‌شناس معروف اهل سنت درباره شخصیت احمد بن فرات گفته: روایت ضعیفی از او سراغ ندارم و او همواره راستگو و حافظ حدیث است. ابوعمران طرسوسی می‌گوید: از احمد بن حدیث شنیدم که می‌گفت: در زیر آسمان، کسی حافظتر از او نیست.

۳. **ابوبکر بن عیاش (متوفای ۱۹۰)**

شهباشی حدیثی را نقل کرده که احمد بن فرات در سلسله سند آن قرار گرفته است. در این حدیث ابن عباس، مفسر معروف می‌گوید: اولین کسی که اسلام آورد علی(ع) است. «اول من اسلم علی» بزرگان اهل سنت هم به این حقیقت اعتراف کرده‌اند.

۳. **ابوبکر بن عیاش (متوفای ۱۹۰)**

شهباشی حدیثی را نقل کرده که احمد بن فرات در سلسله سند آن قرار گرفته است. در این حدیث ابن عباس، مفسر معروف می‌گوید: اولین کسی که اسلام آورد علی(ع) است. «اول من اسلم علی» بزرگان اهل سنت هم به این حقیقت اعتراف کرده‌اند.

۳. **ابوبکر بن عیاش (متوفای ۱۹۰)**

کتاب تاریخ دمشق بزرگ اهل سنت ابوبکر بن عیاش کوفی است که در سال ۹۰ قوه فوت شده است. ذهبی از او به فقیه، محدث و شیخ‌الاسلام تعبیر کرده و مهم‌تر از او احمد بن حنبل او را ثقة و مورد اطمینان قرار داده است.

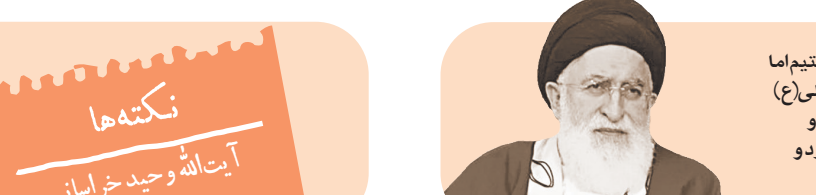
ابوجهم اصفهانی متوفای ۴۳۰ در کتاب حلیه الاولیاء، جلد یک، صفحه ۶۸ حدیثی را نقل کرده که در سند آن، ابوبکر بن عیاش است که او از نصیر از سلیمان اجمن از پدرش از امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده که حضرت فرمود: «والله ما نزلت آیه الا ولدت مع فضیلت و این نزات».

۴. **ابو یعوبه ایادی**
ابن حجر عسقلانی درباره او گفته: مقبول و عثمان بن سعید می‌گوید: از یحیی بن معین درباره ابو یعوبه پرسیدم، گفت: کوفی، ثقة. جناب ابن عساکر دمشقی شافعی مذهب ۵۷۱ متوفی در کتاب تاریخ دمشق بزرگ اهل سنت ابوبکر بن عیاش کوفی است که در سال ۹۰ قوه فوت شده است. ذهبی از او به فقیه، محدث و شیخ‌الاسلام تعبیر کرده و مهم‌تر از او احمد بن حنبل او را ثقة و مورد اطمینان قرار داده است.

۴. **ابو یعوبه ایادی**
ابن حجر عسقلانی درباره او گفته: مقبول و عثمان بن سعید می‌گوید: از یحیی بن معین درباره ابو یعوبه پرسیدم، گفت: کوفی، ثقة. جناب ابن عساکر دمشقی شافعی مذهب ۵۷۱ متوفی در کتاب تاریخ دمشق بزرگ اهل سنت ابوبکر بن عیاش کوفی است که در سال ۹۰ قوه فوت شده است. ذهبی از او به فقیه، محدث و شیخ‌الاسلام تعبیر کرده و مهم‌تر از او احمد بن حنبل او را ثقة و مورد اطمینان قرار داده است.

مناقب آن حضرت این است در مقام عمل به عنوان شیعه ایشان قریابت و شهباشی به کتاب مناقب مرتضوی تألیف رعایت تقوا و غفت رابریگ ما باشیم. گشتی است. کتابخانه آستان قدس رضوی به عنوان یکی از بزرگترین کتابخانه‌های ایران و جهان اسلام، دارای آثار ارزشمندی در حوزه میراث مکتوب است.

در مرکز نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی کتب



در گفت‌وگو با عضو مجلس خبرگان رهبری مطرح شد چگونه از یاری کنندگان امیرالمؤمنین علیّه‌ السلام باشیم؟



و بالا بردن مقام و اظهار کرامت او مخصوص ابوبکر بود.
همیشه همراه پیامبر(ص) بود و در تمام جنگ‌ها و سبیل‌زار رفتن او و تنها علی(ع) شایسته این امر بود.

■ **حدیث جوامعردی علی(ع)**

امام جمعه مراغه در ادامه توضیح می‌دهد: تمام علمای اسلام متفق‌اند که حضرت علی(ع) در خانه خدا دراد بلکه آن را یک امر مشهور که در کتب شیعه و سنی به آن اعتراف شده، تلقی می‌کنند. این فضیلتی است که خداوند به خداوند بزرگداشت

خطی متعددی درباره فضائل و مناقب امام علی(ع) وجود دارد که از آن جمله می‌توان به کتاب مناقب مرتضوی تألیف میرمحمدصالح ترمذی کشتی، از بزرگان علم و ادب و از شاخه قرن دهم و یازدهم هجری اشاره کرد. در حال حاضر این نسخه خطی آن در مرکز نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌م‌ود.

یکی از نسخه‌های نفیس خطی، مناقب مرتضوی است

◀ **نام علی(ع) را فرآور کنیم**

از کتاب محدثان و مفسران نامه بر این نقل متفق‌اند که رسول خدا(ص) به علی مرتضی فرمود: خود را زنی وانا

منکنک! این دو جمله اما درایس است تو از منی، من از توام.

یافته است. آیه «یا ایها الذین آمنوا…» و آیه «والکم الله و رسوله و الذین آمنوا…» که خطاب به حضرت علی(ع) و در شأن ایشان است ازجمله آیات قرآن شده در این کتاب است. همچنین «انا مدینه العلم وعلی بابها»، «من کنّت مولا فهدا علی مولا» و ذکر «علی عیاده» نیز از جمله احادیثی است که در این کتاب آمده است.

معنی این حدیث این است: آن علم کن، آن عقل کن، آن کل عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

و احوال خود را به علی مرتضی و ابراهیم همه تحت‌الشماع اویند.

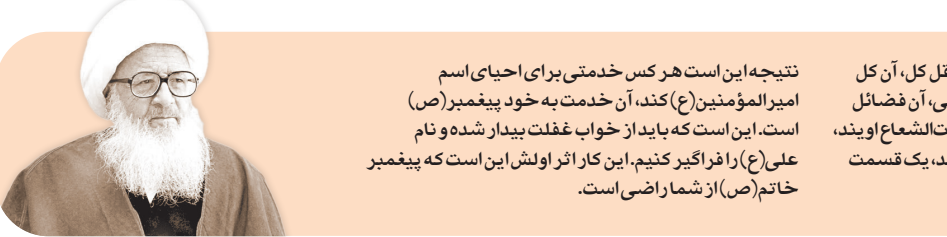
همه آن‌ها خود شسته‌اند؛ یک قسمت محمد، یک قسمت

علی، این است معنای این کلمه.

عقل کن، آن کل خلق کن، آن مکار علم کن، آن فضائل

کتاب کشف البیقین علامه حلی، العمد ابن‌بطریق و مشارق

انوار البیقین حافظ رجب نیری نیز از دیگر منابع موجود در مرکز نسخ خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است که به ذکر فضائل و مناقب امام علی(ع) پرداخته است. همچنین «انا مدینه العلم وعلی بابها»، «من کنّت مولا فهدا علی مولا» و ذکر «علی عیاده» نیز از جمله احادیثی است که در این کتاب آمده است.



نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم

امیرالمؤمنین(ع) کند، آن خدمت به خود پیغمبر(ص)

است. این است که باید از خواب غفلت بیدار شده و راه

علی(ع) را فرآور کنیم. این کار اثرش این است که پیغمبر

خاتم(ص) از شما رضای است.

نتیجه این است هر کس خدمتی برای احیای اسم